



قوه قضائیه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.ROOZNAMEHRASML.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	قوه قضائیه	۱۳۹۲/۳/۲۷	بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۵۶۵۸/۱۰۰ به مراجع قضایی سراسر کشور
۲	شورای اسلامی شهر قزوین	۱۳۹۲/۲/۲۳	رای شماره ۱۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال مصوبه‌های شماره ۴۶۹-۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین در حدی که ناظر بر تعیین عوارض کسب و پیشه بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و صندوقهای قرض الحسنه که حوزه فعالیت کشوری و غیرمحللی دارند
۲	شورای اسلامی شهر تبریز	۱۳۹۲/۲/۳۰	رای شماره ۱۵۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند ۲ ذیل ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی شهر تبریز
۴	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳۹۲/۲/۳۰	رای شماره ۱۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع محدود و مقید کردن بازنشستگی بیمه شده از جمله کارکنان سازمان تأمین اجتماعی به داشتن سابقه ۲۰ سال خدمت در سازمان مذکور خلاف قانون می‌باشد
۵	شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	۱۳۹۲/۲/۳۰	رای شماره ۱۴۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند یک صورت جلسه شماره ۴۲۲-۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در شهر تهران
۷	وزارت نیرو	۱۳۹۲/۲/۲۳	رای شماره‌های ۱۱۲-۱۳۹ و ۱۳۸۸/۱۲/۲۳-۱۳۴۱۶۱/۵۳۰ معاون وزیر نیرو و ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹ وزیر نیرو در امور تحقیقات و منابع انسانی مبنی بر درج فوق‌العاده کشیک در احکام کارگزینی

قوانین و مقررات عمومی

۱۳۹۲/۳/۲۷

شماره ۹۰۰۰/۱۵۶۶۰/۱۰۰

جناب آقای سینجلی جاسبی

رئیس محترم هیئت‌مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور

تصویر بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۵۶۵۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۷ ریاست محترم قوه قضائیه جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - محسن محدث

۱۳۹۲/۳/۲۷

شماره ۰۰۰/۱۵۶۵۸/۱۰۰

بخشنامه

مراجع قضایی سراسر کشور

با توجه به حکم مورخ ۱۳۶۸/۲/۶ حضرت امام (ره) و حکم مورخ ۱۳۶۸/۶/۱۶ مقام معظم رهبری و سایر احکام معظم‌له راجع به اموال در اختیار ولی فقیه، بدینوسیله مراتب ذیل جهت اقدام مقتضی به دادگاهها و دادرها اعلام می‌گردد:

۱- نظر به اینکه تاکنون اذنی از سوی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی برای سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مذکور در ماده ۳ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰، داده نشده، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) به عنوان تنها نهاد مأذون در مورد اموال مربوط به ولی فقیه می‌باشد.

۲- اموال در اختیار ولی فقیه عبارتند از اموال مجهول‌المالک، بلاصاحب، ارث بلاوارث، کالاهای قاچاق بلاصاحب و صاحب متواری و اموال رسوب شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اموال اعراضی، رهاشده، اموال و املاک غائبین مفقودالاثار، اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه است.

۳- دادگاهها مکلفند در مورد اموال بجای مانده از محکومین پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی که حکم آن به نفع سایر نهادها صادر شده و لکن تاکنون نسبت به شناسایی، اعمال سرپرستی و تملک آن اقدام ننموده‌اند رسیدگی و نسبت به صدور حکم تکمیلی به نفع ستاد اجرایی فرمان امام (ره) اقدام نمایند.

نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه بر عهده رؤسای کل دادگستری استانی می‌باشد.

رئیس قوه قضائیه - صادق لاریجانی

در خصوص اخذ عوارض سالیانه از تمامی بانکهای دولتی و خصوصی، مؤسسات مالی و اعتباری، تعاونیهایی اعتباری فعال در محدوده خدماتی و قانونی شهر قزوین از ابتدای سال ۱۳۹۱ به شرح ذیل اقدام نماید.

واحدهای سرپرستی بانک	ماهیهانه P ۲۴
واحدهای خزانه و بانکها در صورت جدا بودن از سرپرستی	ماهیهانه P ۱۲
شعبه بانکها	ماهیهانه P ۱۸
باجه بانکها	ماهیهانه P ۱۰
سایر واحدهای اداری بانکها در صورتی که با یکی از واحدهای فوق مجتمع نباشد هر کدام	ماهیهانه P ۶
واحدهای سرپرستی مؤسسات مالی و اعتباری	ماهیهانه P ۱۸
شعبه صندوقهای مؤسسات مالی و اعتباری	ماهیهانه P ۱۰

تبصره - صندوقهای قرض الحسنه که صرفاً تسهیلات قرض الحسنه تا حداکثر ۴٪ کارمزد محاسبه و پرداخت می‌نمایند از شمول این مصوبه مستثنی خواهند بود. - رئیس شورای اسلامی شهر قزوین»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به‌صورت رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

الف - با توجه به این که اعتراض به مصوبه شماره ۳۱۰-۱۳۸۷/۱۱/۸ شورای اسلامی شهر قزوین، قبلاً به موجب دادنامه شماره ۷۲۴ الی ۷۵۹ مورد رسیدگی قرار گرفته و ابطال شده است، بنابراین قضیه مشمول امر مختوم است و موجبی برای رسیدگی مجدد وجود ندارد.

ب - حکم مقرر در تبصره ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷، مبنی بر این که شوراها و شوراهای اسلامی شهر و بخش برای وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام دارند، دلالت بر این معنی دارد که شوراها و شوراهای اسلامی شهر برای تصویب عوارض محلی صلاحیت دارند و صلاحیت تعیین و تصویب عوارض کشوری و ملی را ندارند. با توجه به مراتب مصوبه شماره ۴۶۹-۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین در حدی که ناظر بر تعیین عوارض کسب و پیشه برای بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و صندوقهای قرض الحسنه که حوزه فعالیت کشوری و غیرمحلی دارند، خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر قزوین و مغایر قانون است، به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آن صادر و اعلام می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شماره هـ/۸۹/۶۲۲ ۱۳۹۲/۳/۱۷
تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۳۰ شماره دادنامه: ۱۵۳ کلاسه پرونده: ۶۲۲/۸۹
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: آقای محمدباقر فروتن سرائی
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند (۲) ذیل ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی

شهر تبریز
گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند (۲) ذیل ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی شهر تبریز را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته توضیح داده است که: «احتراماً، به استحضار می‌رساند این جانب به موجب کپی مصدق سند مالکیت پیوست مالک پلاک ثبتی ۸/۷۹۳ واقع در بخش ۹ تبریز می‌باشم که ملک موصوف را در سال ۱۳۶۹ خریداری و نسبت به احداث کارخانه در آن اقدام و در تاریخ ۱۳۷۳/۸/۲۵ از طریق ماده ۱۴۷ قانون ثبت سند مالکیت اخذ که کارخانه احداثی نیز در صفحه سوم آن درج شده است. علی‌هذا هم خرید و هم احداث کارخانه و هم اخذ سند مالکیت همگی قبل از تصویب طرح جامع جدید شهر یعنی ۱۳۷۴/۱۱/۲۸ بوده و پس از تصویب طرح جامع مزبور بدون اراده و تقاضای این جانب وارد محدوده شهر شده لیکن متأسفانه شورای شهر تبریز طبق ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی از املاک اشخاص من جمله این جانب به‌عنوان عوارض سهم خدمات عمومی و شهرداری بابت ورود به محدوده شهر سهمی معادل ۵۵٪ کل عرصه از مالکان مطالبه می‌نماید در صورتی که شورای محترم نگهبان در

شماره هـ/۹۲/۵
تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۲۳ شماره دادنامه: ۱۱۱ کلاسه پرونده: ۵/۹۲
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: بانک صنعت و معدن

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه‌های شماره ۳۱۰-۱۳۸۷/۱۱/۸ و ۴۶۹-۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین

گردش کار: بانک صنعت و معدن به موجب دادخواستی ابطال مصوبه‌های شماره ۳۱۰-۱۳۸۷/۱۱/۸ و ۴۶۹-۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین را خواستار شده است و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام با استناد به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۱ ماده ۱۹ و قسمت اخیر ماده ۲۰ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری به اختصار مصدع می‌شود:

کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها به استناد مصوبه‌های شماره ۳۱۰ و ۴۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۸ و ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین پرداخت عوارضی را تحت عناوین عوارض کسب و پیشه سالیانه، عوارض سالیانه، بر عهده این بانک تعیین کرده است.

مستحضر می‌دارد: مصوبه‌های شماره ۳۱۰ و ۴۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۸ و ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین در خصوص وضع عوارض در ارتباط بانکها از جمله به جهت زیر مخالف صریح قوانین و مقررات و مفاد آرای هیأت عمومی آن مرجع است.

بانک صنعت و معدن بانک دولتی است و با توجه به ماده ۲ اساسنامه به صورت شرکت دولتی فعالیت می‌کند و دارای حوزه فعالیت ملی و کشوری و غیرمحلی است، بنابراین با استناد به بند ب ماده ۳۰ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده از جمله تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مذکور مصوب سال ۱۳۸۷ و با استناد به مفاد آراء هیأت عمومی آن مرجع به شماره ۳۴۴-۱۳۸۸/۴/۲۱ و ۲-۱۳۸۹/۱/۱۶ و ۲۱۹-۱۳۹۱/۴/۲۶ و ۲۳۱-۱۳۹۱/۴/۲۶ و بند ب ماده ۲۲۰-۱۳۹۱/۴/۲۶ و سایر مقررات مربوط مصوبات شماره ۳۱۰ و ۴۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۸ و ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین در خصوص پرداخت عوارض توسط بانکها قانوناً خارج از صلاحیت شورای اسلامی مذکور بوده از جمله مخالف صریح قوانین و مقررات و آراء پیش گفته آن مرجع است، بنابراین ابطال آن در قسمت‌هایی که در خصوص وضع عوارض برای بانکها است از تاریخ تصویب مورد استدعاست. آقای حسن شهرامی به نمایندگی جهت تقدیم دادخواست بانک معرفی می‌شود.»

متن مصوبه شماره ۳۱۰-۱۳۸۷/۱۱/۸ شورای اسلامی شهر قزوین به قرار زیر است: «متن مصوبه شماره ۳۱۰ در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۸ شورای اسلامی شهر قزوین مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره ابلاغ می‌شود.

ماده واحده: بر اساس بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ به شهرداری قزوین اجازه داده می‌شود:

در خصوص دریافت عوارض از تمامی بانکهای دولتی و خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری واقع در محدوده خدماتی و قانونی شهر قزوین از ابتدای سال ۱۳۸۸ به شرح ذیل اقدام نماید.

واحدهای سرپرستی بانک	ماهیهانه P ۲۰
واحدهای خزانه و بانکها در صورت جدا بودن از سرپرستی	ماهیهانه P ۱۰
شعبه بانکها	ماهیهانه P ۱۵
باجه بانکها	ماهیهانه P ۸
سایر واحدهای اداری بانکها در صورتی که با یکی از واحدهای فوق مجتمع نباشد هر کدام	ماهیهانه P ۵
واحدهای سرپرستی مؤسسات مالی و اعتباری	ماهیهانه P ۱۵
شعبه صندوقهای مؤسسات مالی و اعتباری	ماهیهانه P ۸

تبصره ۱: با توجه به مصوبه فوق مصوبه قبلی به شماره ۱۷۰-۱۳۸۷/۸/۷ از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

تبصره ۲: مؤسسات قرض الحسنه با توجه به این که سودی دریافت نمی‌کنند از شمول این مصوبه مستثنی خواهند بود. - رئیس شورای اسلامی شهر قزوین»

متن مصوبه شماره ۴۶۹-۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین به قرار زیر است: «مصوبه شماره ۴۶۹ در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر قزوین مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره ابلاغ می‌شود.

ماده واحده: بر اساس بند ۱۴ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ به شهرداری قزوین اجازه داده می‌شود:

اخذ خواهد شد که در این حالت سهم شهرداری در اراضی زراعی و بایر از حداقل ۶۰٪ و در باغات از حداقل ۷۰٪ کمتر نخواهد بود در این صورت عوارض و جرایم قطع اشجار به‌عهده شهرداری خواهد بود.

۳- در کلیه اراضی و املاکی که صاحبان آنها با تصویب کمیسیون ماده ۵ نسبت به‌آماده سازی - ایجاد معابر رأساً اقدام می‌نمایند علاوه از واگذاری کلیه کاربریهای عمومی به شهرداری حداقل ۱۰ تا ۱۵٪ از کل عرصه ملک به عنوان سهم شهرداری تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱: حفظ باغات و توسعه آنها در اولویت اول برنامه‌های فضای سبز شهرداری می‌باشد و مصوبات کمیسیون ماده ۵ در ارتباط با نحوه اقدام شهرداری از قبیل باغات چایکنار و ... همچنین به قوت خود باقی است.

تبصره ۲: اعیانی واقع در محدوده قانونی روستاهای وارد شده به محدوده شهر مجاز هستند و عوارض احداث بر آنها تعلق نمی‌گیرد و فقط شامل بندهای فوق‌الذکر می‌باشند. در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تبریز به موجب لایحه شماره ۱۳۵۸۰۰۰۱۳ - ۱۳۹۰/۱/۱۰ توضیح داده است که:

«به استحضار عالی می‌رساند که تعرفه عوارض محلی مصوب شورای اسلامی شهر و به تبع آن ماده ۲۴ و تبصره‌های ذیل آن از تعرفه یاد شده که موضوع شکایت شاکی پرونده می‌باشد ناشی از اختیارات قانونی شورای اسلامی است که در تصویب و وضع تعرفه عوارض محلی مآذون از قبل قانونگذار بوده و انجام این امر برابر قوانین حاکم و جاری تجویز شده است. همان طور که استحضار دارید مطابق بند ۱۶ ماده ۷۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ مربوط به وظایف شورای اسلامی شهر، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت از اختیارات شوراها اعلام شده است. علاوه بر آن ماده ۸۰ قانون مذکور می‌گوید: شورای اسلامی شهر و دهستان می‌توانند نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی به‌منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر و روستا طبق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران اقدام نمایند. همچنین تبصره ۱ ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ وضع عوارض محلی جدید را که تکلیف آنها در قانون مذکور مشخص نشده است توسط شوراهای اسلامی شهر و بخش تجویز کرده است.

با توجه به اختیارات قانونی ذکر شده شورای اسلامی شهر تبریز در اجرای دستورالعمل ماده ۱۴ قانون زمین شهری و تبصره ۴ ذیل ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها، با تصویب ماده ۲۴ عوارض محلی و بندهای ذیل آن عوارضی را در مورد اراضی که دارای کاربریهای عمومی - فضای سبز و به‌صورت بایر یا مزروعی و مشجر هستند و وارد محدوده شهر می‌شوند و اعیانیهای غیرقانونی احداث شده در آنها توسط کمیسیونهای ماده صد ابقاء می‌شوند و در نهایت از امتیازات ورود به محدوده خدمات شهری بهره‌مند می‌شوند عوارضی وضع کرده است که با توجه به وضع و شرایط حاکم به ملک و اعیانیهای متعلق به شاکی موضوع مشمول ماده ۲۴ و شق الف و ب از بند ۲ ذیل ماده مذکور از تعرفه عوارض محلی می‌باشد.

برخلاف ادعا و اعتقاد شاکی مصوبه موضوع بحث شورای اسلامی شهر تبریز هیچ مغایرت و مخالفت با فرمان مقام معظم رهبری و موازین شرع مقدس اسلام ندارد و هیچ‌گونه تعارضی بین این مصوبه و ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های الحاقی ذیل آن مشهود نیست. همچنین آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مورد استناد شاکی قرار گرفته است ارتباطی به ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی مصوب شورای اسلامی شهر تبریز ندارد و مربوط به موضوع و تصمیم دیگری است و بالاخره شورای نگهبان قانون اساسی هم در رابطه با خلاف شرع بودن ماده ۲۴ موضوع بحث اعلام نظر نکرده است. با عرض مراتب و توجهاً به این که مصوبه مورد نظر شورای اسلامی شهر تبریز مبنای قانونی و در نهایت منشأ و مأخذ مشروع دارد و به منظور تأمین نیازهای خدمات سطح شهری وضع شده است. علی‌هذا تقاضای صدور حکم به رد شکایت و خواسته شاکی را دارد.»

قائم مقام دبیر شورای نگهبان نیز در خصوص ادعای مغایرت مصوبه مذکور با شرع، طی نامه شماره ۱۳۹۰/۳/۲۹ - ۹۰/۳۰/۴۲۶۱۹ اعلام کرده است که:

«موضوع بند ۲ ذیل تبصره ۲ ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی شهر تبریز در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۵ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که فقهای معظم به شرح زیر اعلام می‌گردد:

بند (۲) ماده (۲۴) مصوبه مذکور مستقلاً خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد، ولی چون خلاف تبصره (۴) ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ می‌باشد، از زمان تصویب در حدود مغایرت با مصوبه مذکور باید ابطال شود.»

موارد عدیده من‌جمله پرونده کلاسه ۱۶۹/۷۷ و ۶۲۱/۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری چنین مصوباتی را که به صورت مطلق و بدون تقاضای صاحبان زمین بابت استفاده از مزایای ورود به محدوده شهر سهمی را به شهرداری اختصاص می‌دهند خلاف شرع اعلام کرده و دیوان عدالت اداری نیز مصوبه‌های مشابه را در تمام موارد ابطال کرده است. علی‌ای حال با عنایت به مراتب و این که مصوبه مورد اعتراض مغایر با شرع و قاعده تسلیط و اصول قانون اساسی مبنی بر اقدام مالکیت مشروع اشخاص و خارج از حدود اختیارات شورای شهر می‌باشد، لذا مستنداً به بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری از آن مرجع رسیدگی و ابطال مصوبه مزبور مورد تقاضا است. ضمناً با توجه به این که شهرداری تبریز در صدد اخذ عوارض به استناد مصوبه مارالذکر می‌باشد در صورت اجرای این مصوبه خسارتی متوجه این جانب خواهد شد که در آتیه جبران آن متعذر می‌باشد، لذا مستنداً به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای مفاد مصوبه معترض‌عنه نیز مورد استدعاست.»

متعاقباً شاکی در پاسخ به اخطار رفع نقصی که از سوی اداره کل هیأت عمومی در اجرای ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری برای وی ارسال شده بود، به موجب لایحه‌ای که به شماره ۴۱۵/۷۱۱/۲۱۸۸ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۱ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده توضیح داده است که:

«ماده ۲۴ شورای اسلامی شهر تبریز در رابطه با تعیین عوارض محلی مخالف فرمان مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و خلاف شرع مقدس اسلام و مغایر دادنامه شماره ۴۲ - ۱۳۷۸/۲/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن و اصول و قواعد حاکم بر کیفیت رسیدگی به ادعای تخلفات ساختمانی در کمیسیونهای بدوی تجدیدنظر ماده ۱۰۰ شهرداری بوده و مصوبه شماره ۹۰۰/۱/۲۹ - ۱۳۷۷/۴/۲۸ شهرداری تبریز در موارد مشابه طی دادنامه شماره ۴۶ - ۱۳۸۴/۲/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده و شورای نگهبان نیز طی نظریه شماره ۸۰/۲۱/۱۷۵۶ - ۱۳۸۰/۴/۲۱ خلاف شرع تشخیص داده است. لذا به لحاظ خلاف شرع و قانون و خارج اختیار بودن ماده ۲۴ مارالذکر به دلایل فوق‌البيان، تقاضای ابطال آن را دارم.»

همچنین شاکی به موجب لایحه ای که به شماره ۴۱۵/۷۱۱/۲۵۵۹ - ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده توضیح داده است که ادعای وی از حیث مغایرت با موازین شرع متوجه بند ۲ ماده ۲۴ تعرفه مورد شکایت است.

متن ماده ۲۴ و تبصره‌های ذیل آن در خصوص تعرفه عوارض محلی شهرداری تبریز به قرار زیر است:

«ماده ۲۴- عوارض سهم خدمات عمومی و شهرداری در محدوده و حریم شهر
۱- در کلیه املاکی که داخل حریم شهر واقع شده‌اند و اعیانیهای آنها به هر نحوی از انحاء ابقا شوند عوارض عرصه به عنوان سهم خدمات عمومی مطابق جدولهای ذیل محاسبه و اخذ خواهد شد و صدور گواهی عدم خلاف و یا هر نوع گواهی به منزله ارزش افزوده عرصه ملک نخواهد بود.
الف: عوارض عرصه از مسکونی:

مساحت عرصه	ضریب P به ازای هر مترمربع در شهرداریهای مناطق به غیر از منطقه ۸ و ۹
عرصه با هر مساحتی	در مناطق ۵-۳-۱ ۴-۶-۷-۱۰ در مناطق ۵

ب: عوارض عرصه از غیر مسکونی:

مساحت عرصه	ضریب P به ازای هر مترمربع در شهرداریهای مناطق به غیر از منطقه ۸ و ۹
عرصه تا ۳۰۰۰ متر	۱۸
عرصه از ۳۰۰۱ به بالا	۲۵

تبصره ۱: در جدولهای فوق حداقل ارزش منطقه ای در مناطق ۴-۶-۷-۱۰ مبلغ ۵۰۰۰ ریال و در مناطق (۸-۳-۵-۱) مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال می‌باشد به عرصه مسکونی‌های کمتر از ۲۰۰ مترمربع که دارای اعیانی بوده و همچنین کارگاههایی که کمتر از ۵۰۰ مترمربع که سال احداث آن قبل از تاریخ ۱۳۷۰/۱/۱ باشد عوارض عرصه شامل نخواهد شد.

تبصره ۲: حفظ کلیه اراضی فاقد اعیانی در داخل محدوده شهر با هر نوع استفاده الزامی است و در صورت تقاضای ارزش افزوده توسط مالکان با طی مراحل قانونی از طریق کمیسیون (ماده ۵) قرار خواهد گرفت.

۲- در صورت درخواست مالکان اراضی و املاک واقع در داخل محدوده شهر جهت استفاده از مزایای توسعه و عمران شهری عوارض سهم خدمات عمومی معادل ۵۵٪ از کل عرصه و تا ۲۰٪ عرصه سهم شهرداری به شرط تصویب در کمیسیون (ماده ۵) محاسبه و

همچنین شاکی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۵۸۰۰۷۹۲ - ۱۳۹۰/۷/۲۴ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده توضیح داده است که:

«نظر به این که فقهای محترم شورای نگهبان مصوبه مورد شکایت (موضوع بند ۲ ذیل تبصره ۲ ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی شهر تبریز) خلاف موازین شرع تشخیص نداده‌اند ولی چون برخلاف تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ تشخیص داده‌اند. لذا تقاضای اعمال ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری مبنی بر اثر ابطال از زمان تصویب مصوبه را دارم.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به‌صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

اولاً: نظر به این که قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۰/۳/۲۹ - ۹۰/۳۰/۴۲۶۱۹ اعلام کرده است که فقهای شورای نگهبان بند ۲ ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی شهر تبریز را مستقلاً خلاف موازین شرع تشخیص نداده‌اند، بنابراین در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری و متابعت از نظر فقهای شورای نگهبان، بند ۲ ماده ۲۴ مصوبه مورد اعتراض از بُعد شرعی قابل ابطال نیست.

ثانیاً: در تبصره ۴ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ مقرر شده است که: «در مواردی که تهیه زمین عوض در داخل محدوده‌های مجاز برای قطعه‌بندی و تفکیک و ساختمان‌سازی میسر نباشد و احتیاج به توسعه محدوده مزبور طبق طرحهای مصوب توسعه شهری مورد تأیید مراجع قانونی قرار بگیرد، مراجع مزبور می‌توانند در مقابل موافقت با تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر، علاوه بر انجام تعهدات مربوط به عمران و آماده‌سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تأسیسات و تجهیزات و خدمات عمومی، حداکثر تا ۲۰٪ از اراضی آنها برای تأمین عوض اراضی واقع در طرحهای موضوع این قانون و همچنین اراضی عوض طرحهای نوسازی و بهسازی شهری به طور رایگان دریافت نمایند.» نظر به این که اجرای حکم مذکور به شرایطی از جمله تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه عمران شهر موکول شده است و حداکثر تا ۲۰٪ اراضی به طور رایگان قابل دریافت است، بنابراین بند ۲ ماده ۲۴ تعرفه عوارض محلی شهرداری تبریز که مازاد بر حکم مقنن جواز اخذ رایگان زمین اشخاص را مقرر کرده است خلاف قانون است و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و مواد ۲۰ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - علی مبشری

«آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی که یک جلد آن ضمیمه است، مشتمل بر ۸۳ ماده ۴۷ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ به تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی) رسیده و از همان تاریخ لازم‌الاجرا شده است. براساس ماده ۷۸ از فصل دهم (تطبیق وضع کارکنان) «کلیه کارکنانی که در تاریخ تصویب این آیین‌نامه به طور تمام‌وقت و به صورت ثابت یا موقت به خدمت اشتغال دارند با حفظ نوع استخدام با این مقررات تطبیق وضع می‌یابند.»

بنابراین کلیه کارکنان سازمان از تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ از لحاظ تشکیلات، پست سازمانی، شغل، ارتقاء، انتصاب، مأموریت، مرخصی، غیبت، استعفا، نظام پرداخت حقوق، بازنشستگی و سایر موارد تابع شرایط این آیین‌نامه قرار گرفته و سازمان نیز مکلف به اجرای کلیه مواد آن است.

با استناد به ماده ۶۴ فصل هشتم (بازنشستگی) «با کارکنان سازمان از لحاظ بازنشستگی از کارافتاده کلی و فوت طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی رفتار خواهد شد.» قانون تأمین اجتماعی نیز به استناد ماده ۷۶ از فصل هفتم آن (بازنشستگی) «مشمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت ۱- حداقل ۱۰ سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند ۲- سن مرد به ۶۰ سال تمام و سن زن به ۵۰ سال تمام رسیده باشد. لیکن معاونت اداری و مالی اسبق سازمان تأمین اجتماعی اقدام به صدور دستور اداری شماره ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ - ۱۳۸۹/۶/۳۰ کرده است، که دارای خلط مبحث بوده، به‌طوری که در پاراگراف اول آن، موضوع صدور احکام بازنشستگی کارکنان در موارد مشاغل سخت و زیان‌آور ذکر شده، ولی در پاراگراف آخر آن موضوع احتساب سوابق کارکنان [سابقه غیر سازمانی صرفاً پس از احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان جهت تعیین مستمری بازنشستگی قابل محاسبه خواهد بود] و «۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان ضروری بوده» مطرح شده و اگر قرار باشد مفاد آن را برای کلیه کارکنان سازمان در مشاغل عادی نیز اعمال نمایند، با آیین‌نامه استخدامی سازمان و قانون تأمین اجتماعی در تضاد و مغایر است. چون از نامه شماره ۱۱۸۳۸۵ - ۱۳۹۰/۵/۱۵ اداره کل امور اداری در پاسخ به درخواست بازنشستگی این جانب که تصویر آن ضمیمه است، با توجه به داشتن کلیه شرایط قانونی، چنین مستفاد می‌شود که مستند عدم قبولی آن اعمال پاراگراف آخر دستور اداری مذکور است.

با عنایت به مغایرت پاراگراف آخر دستور اداری مذکور با مواد ۶۴ و ۷۸ آیین‌نامه استخدامی سازمان و همچنین ماده ۷۶ از فصل هفتم (بازنشستگی) قانون تأمین اجتماعی، لذا به منظور بازنشستگی به موقع کارکنان سازمان در مشاغل عادی که در رابطه با این دستور اداری ممانعت از آن به عمل آمده است. استدعای رسیدگی و صدور رأی بر ابطال دستور اداری فوق‌الاشاره را دارم قبلاً از بذل توجه مبذول تشکر می‌نمایم.»

متن دستور اداری مورد شکایت به قرار زیر است:

«موضوع: حداقل سابقه خدمت رسانی جهت احراز شرایط بازنشستگی

اداره کل تأمین اجتماعی استان

مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان/ منطقه

سلام علیکم

با صلوات بر محمد(ص) و آل محمد(ص)

نظر به این که مقرر شده صدور احکام بازنشستگی کارکنان در موارد مشاغل سخت و زیان‌آور، معلولین و تبصره ۱ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی با احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان (سابقه خدمت در سازمان بعلاوه مدت خدمت نظام وظیفه و مدت حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل با ارائه گواهی پرداخت حق بیمه) علاوه بر سایر شرایط تعیین شده صورت پذیرد، لذا خواهشمند است دستور فرمایید به هنگام پذیرش سوابق غیرسازمانی حسب دستورالعمل تفویض اختیار مراتب ذیل در صورت جلسه کمیته فرعی قید گردد.

«سابقه غیرسازمانی فوق صرفاً پس از احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان جهت تعیین مستمری بازنشستگی قابل محاسبه خواهد بود.»

ضمناً به هنگام ارسال مدارک متقاضیان بازنشستگی احراز شرایط فوق (۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان) ضروری بوده و به تقاضاهای فاقد شرایط ترتیب اثر داده نخواهد شد. معاون اداری و مالی»

در پاسخ به شکایت شاکی، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۱۲۰۳ - ۱۳۹۱/۴/۴ توضیح داده است که:

«بخش اول شرح شکایت و خواسته شاکی

شاکی در دادخواست ارائه شده اظهار نظر کرده، شرایط مقرر در بخشنامه معترض‌عنه جهت بازنشستگی مغایر مواد ۶۴ و ۷۸ آیین‌نامه استخدامی و ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی بوده است، تقاضای ابطال آن را دارد لذا ادعا و استنتاج شاکی بنا به دلایل ذیل محکوم به رد است.

شماره هـ/۸۷۹/۹۰

۱۳۹۲/۳/۱۷

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۳۰ شماره دادنامه: ۱۴۸ کلاس پرونده: ۸۷۹/۹۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حسین درخشی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال پاراگراف اخیر دستور اداری شماره ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ - ۱۳۸۹/۶/۳۰

معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی، ابطال پاراگراف اخیر دستور اداری شماره ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ - ۱۳۸۹/۶/۳۰ معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً، این جانب حسین درخشی به استحضار می‌رساند دستور اداری شماره ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ - ۱۳۸۹/۶/۳۰ صادر شده از سوی معاونت اداری و مالی سازمان خلط مبحث دارد و مفاد پاراگراف انتهایی آن «سابقه غیر سازمانی فوق صرفاً پس از احراز ۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان جهت تعیین مستمری بازنشستگی خواهد بود. ضمناً به‌هنگام ارسال مدارک متقاضیان بازنشستگی احراز شرایط فوق (۲۰ سال سابقه خدمت در سازمان) ضروری بوده و به تقاضاهای فاقد شرایط ترتیب اثر داده نخواهد شد.» متناقض با ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی است و همچنین مطابقت با ماده ۶۴ فصل هشتم (بازنشستگی) و ماده ۷۸ از فصل دهم (تطبیق وضع کارکنان) آیین‌نامه استخدامی سازمان که مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ندارد و مانع از بازنشستگی به موقع کارکنان سازمان شده است. لذا استدعای رسیدگی و صدور رأی بر ابطال آن را دارم. قبلاً از بذل توجه مبذول تشکر می‌نمایم.»

متعاقباً شاکی طی لایحه تکمیلی که به شماره ۵۸۰۱۱۹۶ - ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده توضیح داده است که:

بخش دوم: دفاع ماهوی

بر اساس اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است: قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند. هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند، در این راستا قانون دیوان عدالت اداری اختیار رسیدگی به مغایرت تصویب‌نامه و آیین‌نامه با قانون را به‌عهده هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار داده است چنان که به موجب بند ۱ ماده ۱۹ قانون مزبور، مقرر شده: «رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت خلاف بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود». با عنایت به مفاد مواد یاد شده و این که حدود صلاحیت و اختیارات هیأت عمومی به موجب ماده مذکور در ارتباط با رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون است در حالی که شاکی تقاضای ابطال دستور اداری ۲۰۱۰/۸۴۶۲۰ - ۱۳۸۹/۶/۳۰ را به دلیل مغایرت با مواد ۶۴ و ۷۸ آیین‌نامه استخدامی سازمان مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ کرده است بنابراین خواسته شاکی به نحو طرح شده مبنی بر این که موضوع تقاضای ابطال را به دلیل مغایرت با مواد ۶۴ و ۶۷ آیین‌نامه استخدامی صندوق کرده است، قابلیت طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را نداشته و آن مرجع فارغ از رسیدگی در خصوص موضوع طرح شده است و از این حیث خواسته شاکی قابل رد است.

۲- طبق ماده واحده قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیر دولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت (مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۹) مقرر شده: سوابق خدمت مستخدمین دولت، شهرداریها و نهادهای انقلاب اسلامی در شرکتها و مؤسسات غیردولتی که بابت آن حق بیمه یا کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی ذی‌ربط پرداخت شده است، یا انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی پرداخت سهم مستخدم و کارفرما به صندوق بازنشستگی مربوط به مستخدم در حالات بازنشستگی، وظیفه از کارافتادگی صرفاً در تعیین حقوق یا مستمری بازنشستگی و وظیفه قابل احتساب است مشروط بر آن که مستخدمین مزبور (در حالت بازنشستگی) دارای حداقل بیست (۲۰) سال سابقه خدمت دولتی باشند.

تبصره ۱: سنوات خدمت موضوع این قانون در محاسبه سنوات خدمت لازم برای بازنشستگی، اعطای پایه، درجه یا نظایر آن منظور نخواهد شد.

تبصره ۲: قوانین استخدامی دستگاههای دولتی من جمله قوانین خاص شرکتها و مؤسسات دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است از لحاظ سنوات خدمت لازم برای بازنشستگی، تعیین حقوق بازنشستگی و سایر مقررات مربوط در این رابطه کماکان به قوت خود باقی است. بنابراین با توجه به قانون موصوف و آیین‌نامه مربوطه سوابق خدمت مستخدمین دولت، شهرداریها و نهادهای انقلاب اسلامی در شرکتها و مؤسسات غیردولتی در حالات بازنشستگی، وظیفه و از کارافتادگی صرفاً در تعیین حقوق یا مستمری بازنشستگی وظیفه قابل احتساب است مشروط بر این که مستخدمین مزبور دارای ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی باشند.

۳- لازم به ذکر است که صندوق تأمین اجتماعی همانند سازمانها و ارگانهای دولتی دارای ضوابط و شرایط استخدامی خاص است که بخشی از آن مربوط به بازنشستگی کارکنان می‌باشد که در این ارتباط صندوق تأمین اجتماعی نیز ضوابطی را برای بازنشستگی همکاران تعیین کرده است چنان که شرط حداقل ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه شامل خدمت در صندوق تأمین اجتماعی، سوابق دوران خدمت سربازی، ایام حضور در جبهه‌های حق علیه باطل، دو برابر ایام اسارت و مدت معالجه جانبازان را فارغ از نوع بازنشستگی، شرط اولیه بازنشستگی به عنوان کارمند صندوق تأمین اجتماعی قرار داده است.

لذا چنانچه کارکنان صندوق تأمین اجتماعی، قبل از استخدام دارای سوابق بیمه‌پردازی باشند می‌توانند در صورت احراز شرایط بازنشستگی برابر مقررات قانون تأمین اجتماعی، همانند سایر بیمه‌شدگان، به عنوان بیمه‌پرداز از طریق شعبه مربوطه به‌طور عادی بازنشسته شوند.

بنابراین ملاحظه می‌فرمایید شرایط مقرر صندوق تأمین اجتماعی جهت استفاده از مزایای بازنشستگی برای همکاران مانع بازنشستگی آنان با استفاده از سوابق بیمه‌پردازی قبل از استخدام خود نشده و کارکنان سازمان مخیرند که با پذیرش هر یک از دو روش از مزایای مربوط استفاده نمایند و از این حیث شکایت شاکی قابل رد است.

با عنایت به مراتب فوق و این که ادعای شاکی بلاذلیل بوده و اقدام سازمان نیز منطبق با قوانین و مقررات جاری است رد شکایت شاکی مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به‌صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

نظر به این که در ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی با اصلاحات بعدی، مقرر شده است که مشمولان قانون در صورت حایز بودن حداقل ۲۰ سال پرداخت حق بیمه مقرر در قانون، قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی و داشتن شصت سال سن برای مردان و پنجاه و پنج سال سن برای زنان، حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت، بنابراین صرف پرداخت حق بیمه مقرر در قانون و با شرایط مذکور در آن برای بازنشستگی کافی است. از این جهت مقید کردن بازنشستگی بیمه شده از جمله کارکنان سازمان تأمین اجتماعی به‌داشتن سابقه ۲۰ سال خدمت در سازمان مذکور، خارج از شرایط مقرر در ماده فوق‌الذکر است و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آن صادر می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شماره هـ/۵۸۸/۹۱
تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۳۰ شماره دادنامه: ۱۴۷ کلاسه پرونده: ۵۸۸/۹۱
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای محسن رجبی‌دماوندی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند یک صورت جلسه شماره ۴۲۲ - ۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در شهر تهران

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی، ابطال بند یک صورت جلسه شماره ۴۲۲ - ۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون، موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در شهر تهران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته توضیح داده است که: «احتراماً به استحضار می‌رساند: به موجب سند رسمی پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۳ باقی‌مانده (قطعه دوم) و صدور پروانه ساخت به شماره ۵۱۱/۷۲۹۲ - ۱۳۶۱/۱۲/۱۰ و پایان کار صادر شده ۵۱۱/۴۰۶۹۰ - ۱۳۶۳/۱۲/۸ شهرداری منطقه یک و اخذ استعلامات و طی مراحل و تشریفات قانونی در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۴ ملک خریداری و سند به مالکیت مشاع این جانب ثبت شد. از سال ۱۳۶۴ تاکنون سال ۱۳۹۰ ساکن می‌باشم با اقدام به تخریب دیوار و تجاوز و تصرف با صدور پروانه ساخت به شماره ۱۰۰۱۴۳۲۰ - ۱۳۸۷/۵/۲۸ پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۷ و باقی‌مانده ۳۷۱۴ بابت دسترسی جنوبی (مدرک شماره یک) در عرصه ثبتی ۳۷۱۴/۳ باقی‌مانده و شکایت این جانب طی شکواییه از شهرداری منطقه یک و معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران و طرح شکواییه در کمیسیون ماده پنج دسترسی داده شده جنوبی که عرصه پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۳ را به‌عنوان گذر تلقی و شامل تعریف شش متر شده است به استناد مصوبه بند یک شماره ۴۴۲ صورت جلسه کمیسیون ماده پنج مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ (مدرک دوم) که راهرو عرصه پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۳ باقی‌مانده (قطعه دوم) قسمت (حقوق ارتفاع) را با حق عبور برای پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۵ (قطعه اول) گذر عمومی تلقی و باعث اقدام تخریب دیوار شمالی عرصه پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۳ برای تأمین دسترسی جنوبی توسط پلاک عامل تخریب پلاک ثبتی ۳۷۱۴/۷ و باقی‌مانده ۳۷۱۴ اقدام شده است که باعث تضییع حقوق مالکانه در عرصه به‌استناد اصل تسلیط و مالکیت مشروع اشخاص نسبت به اموال منقول و غیرمنقول موجب خسارت غیر قابل جبران را به همراه خواهد داشت. لذا دستور نقض و ابطال مصوبه و توقف عملیات اجرایی و توقیف تا تعیین تکلیف قطعی مورد استدعاست.»

متن بند یک صورت جلسه مورد شکایت به قرار زیر است:

«صورت جلسه کمیسیون مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ بند یک شماره ۴۴۲

معاونت شهرسازی و معماری طی نامه شماره ۸۰/۸۶/۲۹۸۸۹ - ۱۳۸۶/۸/۲۳ به شماره پرونده ۱۱۴/۳۸۷۴ - ۱۳۸۶/۸/۲۳ با عنایت به دادنامه شماره ۳۴۵ - ۱۳۸۱/۱۰/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد لغو تفویض اختیار تصمیم‌گیری در ارتباط با نحوه تعریض گذرهای با عرض کمتر از ۱۲ متر موضوع بند یک صورت جلسه ۴۳ کمیسیون ماده پنج و بخشنامه‌های مربوطه و با توجه به لزوم تسری آن به بند ۲ صورت جلسه ۵۹ شورای طرح و بررسی (در مورد عدم تعریض گذرهای بن بست با طول کمتر از ۳۰ متر که صرفاً دو پلاک دسترسی از آن دارند و عرض ۴ متر برای مواردی که بیش از ۲ پلاک

دسترسی دارند) پیشنهاد لحاظ حداقل عرض ۶ متر برای کلیه گذرهای واقع در سطح شهر تهران در سیر مراحل طرح و اتخاذ تصمیم در کمیسیون را مطرح کرده است.

نظریه کمیته کار: با لغو بند ۳ صورت جلسه ۵۹ شورای طرح و بررسی و لحاظ حداقل عرض ۶ متر برای کلیه گذرهای سطح شهر تهران موافقت به عمل آمد. نحوه تعریف این گذرها توسط شورای معماری شهرداری منطقه مشخص خواهد شد.

مصوبه کمیسیون: موضوع در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون ماده پنج مطرح و با توجه به ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی جدید شهر تهران، ضمن لغو بند ۳ صورت جلسه ۵۹ شورای طرح و بررسی مقرر شد که حداقل عرض برای کلیه گذرها و بن‌بستهای سطح شهر تهران ضمن رعایت سایر ضوابط و مقررات موضوعه حداقل ۶ متر تعیین شود. نحوه تعریف این گذرها توسط شورای معماری شهرداری منطقه مشخص خواهد شد. بدیهی است پهنه‌های ارزشمند تاریخی تثبیت شده در طرح جامع تهران مشمول ضوابط خاص آن پهنه‌ها خواهند بود.

در پاسخ به خطاری که اداره کل هیأت عمومی در اجرای ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری برای شاکی فرستاده است، نامبرده به موجب لایحه ای که به شماره ۱۱۲۵-۱۳۹۱/۶/۵ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی شده، اعلام کرده است که:

«با عنایت به این که شهرداری منطقه یک و معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران و کمیسیون ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری به استناد مصوبه ۴۴۲ مفاد بند یک، راهروی اختصاصی جهت دسترسی بیش از یک پلاک ثبتی با طول بیش از سی متر گذر عام تلقی کرده‌اند. با توجه به عین و منافع راهروی اختصاصی را بدون رضایت و اطلاع و یا واگذاری عوض و یا خرید قطعی از صاحبان آنها برخلاف قوانین شرع و مقررات اسلامی به تملک شهرداری در آورده‌اند و عمومی تلقی کرده است و همچنین کلیه حقوق مالکیت مشرف به گذرهای عمومی را به پلاکهای مشرف به راهروی اختصاصی انتقال داده است که باعث تضییع حقوق مالکانه به استناد:

۱- اصل ۱۷۰ و ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲- اصل تسلیط

۳- ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک کشور

۴- ماده ۳۰۸ و ۳۱۱ قانون مدنی

۵- ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی

۶- قانون تکلیف املاک واقع در طرح سازمانهای دولتی و شهرداریها مصوب سال ۱۳۶۷ به ویژه تبصره ۱ ماده واحده قانون مذکور در خصوص استحقاق مالک به اعمال حقوق مالکانه

۷- مطابق ماده ۹ سازمان زمین شهری مصوبه ۱۳۶۶/۶/۲۳ و آیین‌نامه اجرایی آن تملک اراضی و املاک دایر مشمول قانون مزبور مستلزم تحقق و اجماع شرایط مقرر در ماده فوق‌الذکر و ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی آن قانون است که طبق ضوابط رعایت نشده است.

۸- مستنداً به قسمت اول ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه ۴۴۲ بند یک به لحاظ مغایرت با قانون و شرع درخواست می‌دارم. (قابل توضیح است شهرداری تهران هیچ‌گونه مساعدت در ارائه مصوبه ۴۴۲ اقدام به این جانب نکرده است که از طریق دیوان عدالت اداری اقدام شود).»

متعاقباً در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل حقوقی شهرداری تهران به موجب لایحه شماره ۳۱۷/۴/۳۵۲۲۱-۳۹۱/۱۲/۲-۳ توضیح داده است که:

«طبق مصوبه مذکور، با توجه به ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی جدید شهر تهران، ضمن لغو بند ۲ صورت جلسه ۵۹ شورای طرح و بررسی مقرر شد که حداقل عرض برای کلیه گذرها و بن‌بستهای سطح شهر تهران ضمن رعایت ضوابط و مقررات موضوعه حداقل ۶ متر تعیین شود.

از طرفی به موجب نامه شماره ۸۰/۸۹/۲۲۷۶۶۰-۱۳۸۹/۳/۹ معاونت شهرسازی و معماری به عنوان شهرداری منطقه یک، گذر مورد نزاع به جهت دسترسی بیش از یک پلاک ثبتی، گذر عام تلقی شده و نحوه تعریف را با توجه به بن‌بست بودن آن به شهرداری منطقه (پس از طرح در شورای برنامه‌ریزی منطقه) محول کرده است. متعاقباً موضوع در شورای معماری و برنامه‌ریزی منطقه مطرح و براساس نظریه شورا به شماره ۳۳۱۱۶-۱۳۸۹/۳/۲۲ مقرر می‌شود، گذر مزبور به صورت ۶ متری ملاک عمل قرار گیرد و جهت انعکاس بر روی پوسته طرح تفصیلی جدید به کمیسیون ماده پنج ارسال شود.

طرح تفصیلی، در حقیقت تنظیم برنامه‌های مفصل و انجام اقدامات جزء به جزء در مناطق و محلات شهری و طراحی آنهاست. در طرح تفصیلی خدمات و فضاهای شهری با مختص کردن جزئیات قابل اجرا تعیین می‌شود.

همچنان که هیأت مستحضرند، طبق بند ۳ ماده یک قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۲/۴/۱۶، طرح تفصیلی عبارت از

طرحی است که براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، نحوه استفاده از زمینهای شهری در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق برای هر یک از آنها، وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور به مناطق بهسازی و نوسازی و توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهر در آن تعیین می‌شود و نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت بر اساس مدارک ثبتی، تهیه و تنظیم می‌شود. در واقع محتوای طرح تفصیلی عبارت است از نقشه‌های کاربری اراضی، شبکه‌های ارتباطی، مساحتها، سرانه‌ها، معیارها و ضوابط دقیق اجرایی طرح جامع شهر که پیش از تهیه طرح تفصیلی تهیه شده و به تصویب مراجع رسمی رسیده است.

با عنایت به این که یکی از اولویتهای مهم شهرداری تهران تأکید بر تحقق طرح جامع است، لذا تدقیق و تطبیق طرحهای تفصیلی با طرح جامع و اجرای ضوابط شهرسازی مبتنی بر طرح جامع از اهمیت خاصی برخوردار است.

تحقق چشم‌انداز توسعه شهر تهران در طرح جامع با اصالت و هویت ایرانی اسلامی، دانش پایه و هوشمند، سرسبز و زیبا و شاداب با فضاهای عمومی گسترده و متنوع، امن و مقاوم، پایدار و منسجم با ساختاری مناسب برای سکونت، فعالیت و فراغت را نوید می‌دهد، بایستی محور همه برنامه‌ها و اقدامات شهرداری قرار گیرد.

ضوابط و مقررات طرح تفصیلی یکپارچه شهر تهران بر اساس ضوابط و مقررات طرح جامع تهران تدوین شده و مشتمل بر ضوابط خاص استفاده از اراضی و ساخت و ساز در هر یک از پهنه‌های شهر تهران و همچنین ضوابط و مقررات عام ساخت و ساز شهرسازی در محدوده شهر تهران است.

با اجرای طرح تفصیلی یکپارچه شهر تهران و اعمال ضوابط و مقررات آن موجبات هدایت و کنترل تحولات کالبدی شهر، ساماندهی فضاهای شهری و دستیابی توأمان به حقوق عمومی و خصوصی در سطح شهر یا تلفیق مناسب آن در پیشبرد مدیریت توسعه عمران شهری میسر می‌شود.

عرض گذر مورد بحث بر اساس نقشه‌های طرح تفصیلی جدید شهر تهران ۶ متری تعریف شده است، علی‌هذا در حال حاضر بند یک صورت جلسه شماره ۴۴۲-۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون ماده پنج در خصوص گذر مبحوث عنه موضوعیت ندارد بلکه طبق بند ۲-۱۱ شبکه معابر و دسترسی ضوابط و مقررات طرح تفصیلی یکپارچه شهر تهران، حداقل عرض معابر دسترسی در اجرای طرحهای جامع و تفصیلی شهر تهران در کل سطح شهر و در تماس پهنه‌ها، ۶ متر است. بنابراین موضوع شکایت طرح شده مبنی بر ابطال مصوبه فوق‌الذکر سالبه به انتفاء موضوع است.

لذا با عنایت به مراتب معروضه و بلاوجه بودن، رد شکایت طرح شده از هیأت عمومی مورد استدعاست.»

در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری، شکایت شاکی به منظور بررسی ادعای مغایرت مصوبه با شرع به شورای نگهبان ارسال می‌شود و قائم مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب نامه شماره ۹۱۳۰/۴۸۵۸۱-۱۳۹۱/۸/۱۷ اعلام می‌کند که:

«موضوع بند یک صورت جلسه شماره ۴۴۲-۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون ماده پنج شهر تهران، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۰ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر فقها به شرح ذیل اعلام می‌شود:

شمول مصوبه مذکور نسبت به مواردی که ملک مالک را از قابلیت انتفاع مناسب مجاناً خارج کند، خلاف موازین شرع است.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤساء، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به‌صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ مقرر شده است: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود و نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی لازم‌الاتباع است.» نظر به این که قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب نامه شماره ۹۱۳۰/۴۸۵۸۱-۱۳۹۱/۸/۱۷ اعلام کرده است که «موضوع بند ۱ صورت جلسه شماره ۴۴۲-۱۳۸۶/۸/۲۸ کمیسیون ماده پنج شهر تهران، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۰ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر فقها به‌شرح ذیل اعلام می‌گردد:

شمول مصوبه مذکور نسبت به مواردی که ملک مالک را از قابلیت انتفاع مناسب مجاناً خارج کند، خلاف موازین شرع است.» بنابراین با لحاظ مواد ۴۱ و ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، حکم به ابطال اطلاق مصوبه مورد شکایت صرفاً نسبت به مواردی که ملک

مالک را از قابلیت انتفاع مناسب به صورت مجانی و بلاعوض خارج سازد، از تاریخ تصویب صادر و اعلام می شود.

ضمناً با ابطال اطلاق مصوبه به شرح فوق موجبی برای رسیدگی به اعتراض شاکی از حیث مغایرت مصوبه با موازین قانونی باقی نمی ماند.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شماره هـ/۵۳۴/۹۰

۱۳۹۲/۳/۱۸

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۲/۲/۲۳ شماره دادنامه: ۱۱۲-۱۳۹

کلاس پرونده: ۵۳۴/۹۰ - ۳۳/۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاک: ۱- دیوان محاسبات کشور ۲- سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال بخشنامه شماره ۱۳۴۱۶۱/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳

معاون وزیر نیرو در امور تحقیقات و منابع انسانی

۲- ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹ وزیر نیرو

گردش کار: معاون حقوقی، مجلس و تفریح بودجه دیوان محاسبات کشور به موجب شکایت نامه شماره ۱۱۱۲/۲۰۰۰۰-۱۳۹۰/۲/۱۱ اعلام کرده است که:

«احتراماً در خصوص بند (۲) بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹،

بخشنامه شماره ۱۳۴۱۶۱/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳ وزارت نیرو مقرر داشته فوق العاده کشیک کاری در احکام کارگزینی کارمندان صنعت آب و برق لحاظ و معادل ۱/۳۰ مجموع امتیازات شغلی، فردی و فوق العاده جذب است و کشیک کاری در هر ماه از ۱۰ کشیک تجاوز ننماید مع الوصف از آن جا که:

۱- به موجب ماده (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری «در دستگاههای مشمول این قانون کلیه میانی پرداخت خارج از ضوابط و مقررات این فصل به استثنای پرداختهای قانونی که در زمان بازنشسته شدن یا از کارافتادگی و یا فوت پرداخت می شود و همچنین برنامه کمکهای رفاهی که به عنوان یارانه مستقیم در ازای خدماتی نظیر سرویس رفت و آمد، سلف سرویس، مهد کودک و یا سایر موارد پرداخت می شود، با اجرای این قانون لغو می گردد.

تبصره: در صورتی که با اجرای این فصل، حقوق ثابت و فوق العادههای مشمول کشور بازنشستگی هر یک از کارمندان که به موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می کردند کاهش یابد، تا میزان دریافتی قبلی، تفاوت تطبیق دریافت خواهد کرد و این تفاوت تطبیق ضمن درج در حکم حقوقی با ارتقاهای بعدی مستهلک می شود. این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی یا وظیفه نیز منظور می شود.» ۲- بر اساس حکم ماده (۱۲۷) قانون معنون «کلیه قوانین و مقررات عام و خاص به جز قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی مغایر با این قانون از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می شود.»

لذا بنا به مراتب فوق و احصاء فوق العادههای قابل پرداخت در ماده (۶۸) قانون مذکور، بند (۲) بخشنامه مزبور از حیث برقراری فوق العاده کشیک کاری در احکام کارگزینی کارمندان صنعت آب و برق مغایر قانون ارزیابی می شود.

علی هذا در اجرای مواد (۱۹) و (۲۰) قانون دیوان عدالت اداری، ابطال بخش دوم بخشنامه مبحث فیه از زمان تصویب مورد استدعاست.»

قائم مقام رئیس سازمان بازرسی کل کشور و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاههای اداری با قانون در سازمان مذکور، به موجب شکایت نامه شماره ۹۲۲۰۸-۱۳۹۰/۵/۲۶ اعلام کرده است که:

«احتراماً، بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹ وزیر نیرو راجع به لحاظ فوق العاده کشیک کاری در احکام کارگزینی به کارکنان وزارت نیرو از جهت انطباق با قانون، در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل ایفاد می شود.

مفاد بخشنامه مذکور حاکی است:

«در اجرای بخشنامه شماره ۱۴۲۵۳۷-۲۰۰/۱۳۸۸/۱۲/۲۴ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، بدین وسیله موافقت می شود از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ حقوق و مزایای کارمندان صنعت آب و برق به شرح زیر محاسبه و پرداخت شود.

۱- بخشنامه شماره ۸۱۸۴۵/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۸/۷/۲۵ کماکان به قوت خود باقی است و مبالغ پرداختی ناشی از آن به کارمندان قطعی تلقی شود.

۲- بخشنامه شماره ۱۳۴۱۶۱/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳ با رعایت موارد زیر اقدام شود:

الف: فوق العاده کشیک کاری موضوع بند ۶ دستورالعمل اجرایی شماره ۱۰۰/۸۰۵۳۸-۱۳۸۶/۶/۲۰ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری در احکام کارگزینی کارمندان لحاظ شود.

ب: فوق العاده کشیک کاری برای یک کشیک کاری کامل، معادل ۱/۳۰ مجموعه امتیازات شغلی، فردی و فوق العاده جذب است.

ج: حداکثر کشیک کاری هر نفر در یک ماه نباید از ۱۰ کشیک کاری تجاوز نماید.

۳- بخشنامه شماره ۱۳۴۱۸۲/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳ به استناد مصوبه شماره ۱۴۵۹۳/۱-۲۰۰/۱۳۸۸/۲/۲۱ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری کماکان به قوت خود باقی است.

۴- فوق العاده اضافه کار، هزینه سفر، حق التحقیق، حق التدریس، حق ترجمه و حق التألیف، بر اساس ساز و کار قانون مورد عمل و در حد اعتبارات مصوبه قابل پرداخت است.

۵- مسؤولیت اجرای صحیح مفاد این بخشنامه و همچنین ارائه راهکارهای اجرایی

به عهده معاونت تحقیقات و منابع انسانی است.»

از آن جا که ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ مبادرت به احصاء انواع فوق العادههای قابل پرداخت به کارکنان کرده است و ماده (۷۸) قانون موصوف و تبصره آن تصریح داشته است «در دستگاههای مشمول این قانون کلیه میانی پرداخت خارج از ضوابط و مقررات این فصل به استثنای پرداختهای قانونی که در زمان بازنشسته شدن یا از کارافتادگی و یا فوت پرداخت می شود و همچنین برنامه کمکهای رفاهی که به عنوان یارانه مستقیم در ازای خدماتی نظیر سرویس رفت و آمد، سلف سرویس، مهدکودک و سایر موارد پرداخت می شود، با اجرای این قانون لغو می شود.

تبصره: در صورتی که با اجرای این فصل، حقوق ثابت و فوق العادههای مشمول کشور بازنشستگی هر یک از کارمندان که به موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می کردند کاهش یابد، تا میزان دریافتی قبلی، تفاوت تطبیق دریافت خواهد کرد و این تفاوت تطبیق ضمن درج در حکم حقوقی با ارتقاهای بعدی مستهلک می شود. این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی یا وظیفه نیز منظور می شود.»

در ماده (۸) آیین نامه فوق العاده سختی شرایط محیط کار و نوبت کاری موضوع بندهای (خ) و (د) ماده (۳۹) قانون استخدام کشوری هم بیان شده است، «مستخدمنی که به صورت غیرمنظم و بر حسب نوبت به صورت کشیک یا عناوین مشابه آن در هر یک از حالات زمانی فوق عهده دار انجام مسؤولیتهایی باشند مشمول این آیین نامه نبوده و با رعایت مقررات مربوط از فوق العاده اضافه کار ساعتی برخوردار خواهند بود.»

لذا بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹ که در آن پرداخت فوق العاده کشیک کاری برای کارکنان وزارت نیرو از تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱ اجازه داده شده، با قوانین موضوعه در تعارض است. بعلاوه در صدر بخشنامه مذکور، به بخشنامه شماره ۱۴۲۵۳۷-۲۰۰/۱۳۸۸/۱۲/۲۴ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور استناد شده، حال آن که در این بخشنامه نیز هیچ اشاره ای به چنین فوق العادهای نشده و در بند (۷) آن تنها «فوق العاده اضافه کار، هزینه سفر و مأموریت، حق التحقیق، حق التدریس، حق ترجمه و حق التألیف) احصاء شده و ذکری از فوق العاده کشیک کاری نشده است. ضمن آن که در بند (۱۰) این بخشنامه هم تصریح شده است «پرداخت هرگونه وجهی بابت حقوق و مزایا خارج از مفاد این بخشنامه به مشمولان آن ممنوع است.»

بنا به مراتب و در اجرای تبصره ۲ بند د ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور شایسته است دستور فرمایید خارج از نوبت، ابطال بخشنامه مذکور در دستور کار هیأت عمومی دیوان قرار گیرد و نتیجه تصمیمات نیز به این سازمان اعلام شود.

ضمناً تصویری از پاسخ وزیر نیرو جهت بهره برداری ارسال می شود.»

متعاقباً مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان بازرسی کل کشور در نامه شماره ۱۲۴۵۷۰-۱۳۹۰/۷/۱۶ تأکید کرده است که بند (۲) بخشنامه مذکور در خصوص فوق العاده کشیک کاری، مغایر با قانون تشخیص شده و ابطال آن مورد درخواست است.

متن بخشنامه شماره ۱۳۴۱۶۱/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳ معاون وزیر نیرو در امور تحقیقات و منابع انسانی به قرار زیر است:

«شرکتهای مادر تخصصی و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته

به استناد بند ۶ دستورالعمل اجرایی شماره ۱۰۰/۸۰۵۳۸-۱۳۸۶/۶/۲۰ معاونت

توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری و بر اساس تفاهمات فی مابین با معاونت مزبور (موضوع صورت جلسات مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۸ و ۱۳۸۸/۱۱/۵) و تبصره ذیل ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، بدین وسیله موافقت می گردد به منظور وحدت رویه از تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱ مبلغ فوق العاده کشیک کاری با رعایت ضوابط و مقررات ذی ربط در احکام کارگزینی کارمندان لحاظ گردد... معاون وزیر در امور تحقیقات و منابع»

متن بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹ وزیر نیرو به قرار زیر است:

«شرکتهای مادر تخصصی و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته

در اجرای بخشنامه شماره ۱۴۲۵۳۷-۲۰۰/۱۳۸۸/۱۲/۲۴ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، بدین وسیله موافقت می شود از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ حقوق و مزایای کارمندان صنعت آب و برق به شرح زیر محاسبه و پرداخت شود:

۱- بخشنامه شماره ۸۱۸۴۵/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۸/۷/۲۵ کماکان به قوت خود باقی است و مبالغ پرداختی ناشی از آن به کارمندان قطعی تلقی شود.

۲- بخشنامه شماره ۱۳۴۱۶۱/۵۳۰-۱۳۸۹/۱۲/۲۳ با رعایت موارد زیر اقدام شود:
الف: فوق العاده کشیک کاری موضوع بند ۶ دستورالعمل اجرایی شماره ۱۰۰/۸۰۵۳۸-۱۳۸۶/۶/۲۰ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری در احکام کارگزینی کارمندان لحاظ گردد.

ب: فوق العاده کشیک کاری برای یک کشیک کاری کامل، معادل یک سی ام مجموع امتیازات شغلی، فردی و فوق العاده جذب می باشد.

ج: حداکثر کشیک کاری هر نفر در یک ماه نباید از ۱۰ کشیک کاری تجاوز نماید.

۳- بخشنامه شماره ۱۳۴۱۸۲/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳ به استناد مصوبه شماره ۱۳۸۸/۲/۲۱-۲۰۰/۱۴۵۹۳/۱ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری کماکان به قوت خود باقی است.

۴- فوق العاده اضافه کار، هزینه سفر، حق التحقیق، حق التدریس، حق ترجمه و حق التألیف، بر اساس ساز و کار قانون مورد عمل و در حد اعتبارات مصوب قابل پرداخت است.

۵- مسؤولیت اجرای صحیح مفاد این بخشنامه و همچنین ارائه راهکارهای اجرایی به عهده معاونت تحقیقات و منابع انسانی است. - وزیر نیرو»

در پاسخ به شکایت های مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو به موجب لوابیح شماره ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ و ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ و ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ و ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ و ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ توضیح داده است که:

«۱- فوق العاده کشیک در صنعت آب و برق از سال ۱۳۵۷ و بر اساس بخشنامه شماره ۱۳۵۷/۵/۱۰-۳۰۷۵۵/۳۴۸۴/۱۴۱ وزیر نیرو اجرا شده است و مربوط به سالیان اخیر نیست.

۲- با توجه به این که صنعت آب و برق از جهت مقررات استخدامی، تابع مقررات خاص خود است، لذا به موجب تصویب نامه هیأت وزیران، حقوق و مزایای خاص آن نیز طی نامه شماره ۱۳۷۹/ت/۱۲۵۰۲-۱۳۷۲/۱/۲۱ به این وزارتخانه ابلاغ شده است.

۳- پیرو ایرادات دستگاههای نظارتی در روند اجرایی تصویب نامه مزبور، پس از چندین مرحله، موضوع توسط هیأت وزیران اصلاح و طی تصویب نامه شماره ۳۷۲۹۹/۲۸۱۳۲-۱۳۸۶/۱۲/۲۶ ابلاغ شد، مطابق تصویب نامه مذکور، وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه ریزی (سابق) موظف به تهیه دستورالعمل اجرایی آن شدند. در همین راستا، فوق العاده کشیک که از سال ۱۳۵۷ پرداخت می شد، در دستورالعمل اجرایی لحاظ شده و طی نامه شماره ۱۰۰/۸۰۵۲۸-۱۳۸۶/۶/۲۰ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور به این وزارتخانه ابلاغ شد، با توجه به موارد فوق الذکر، با عنایت به این که وزارت نیرو مصوبه و دستورالعمل لازم الاجرای هیأت وزیران و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور را اجرا کرده است، لذا ابتدا دعوی شاکی با استناد به بند ۴ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی متوجه این وزارتخانه نبوده و محکوم به رد است.

۴- هیأت وزیران بر اساس بند ۶ مصوبه شماره ۳۹۹۶/ت/۳۵۰۹۵-۱۳۸۷/۳/۷ و شماره ۲۲۹۹۳۸/ت/۴۲۱۹۶-ک-۱۳۸۸/۱۱/۲۰ اشعار می دارد: «به منظور اجرای صحیح قانون مدیریت خدمات کشوری و پیشگیری از وقفه در امور دستگاههای اجرایی، تا تصویب آیین نامه ها، دستورالعملها و مصوبات مربوط به قانون مذکور و استقرار احکام آن در دستگاههای اجرایی مقررات مورد عمل دستگاهها، جز در مواردی که مغایر با مفاد این تصویب نامه است، کماکان اجرا خواهد شد». در این راستا حقوق و مزایای کارکنان صنعت آب و برق همانند سایر دستگاهها لحاظ شد که فوق العاده کشیک نیز جزیی از آن محسوب می شود.

۵- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور به منظور اجرایی شدن فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری، طی بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۴۵۹۳-۱۳۸۸/۲/۲۱ (بند یک فصل دوم) اشعار می دارد که احکام مربوط به فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد کارکنان دستگاههایی که در شمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت نبوده اند (مانند وزارت نیرو) متعاقباً اعلام می شود. پیرو بخشنامه مارالذکر، معاونت یاد شده بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۴۲۵۳۷-۱۳۸۸/۱۲/۲۴ را در خصوص دستگاههایی که از مقررات خاص استخدامی تبعیت می کردند را ابلاغ کرد. در بند (۱) این بخشنامه اشاره شده است که حقوق و فوق العاده های مشمول کسور بازنشستگی مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکتهای دولتی و کارمندان دستگاهها مقررات خاص استخدامی از ابتدای سال ۱۳۸۸، پانزده درصد (۱۵٪) به نسبت سال ۱۳۸۷ افزایش می یابد. تبعاً این افزایش مشمول تمام اجزای احکام قبلی این دستگاهها از جمله فوق العاده کشیک نیز می شود.

۶- وزارت نیرو طی نامه شماره ۱۱۴۱۵/۵۳۰-۱۳۸۹/۲/۸ از معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور فرآیند اجرایی فوق العاده کشیک را استعلام کرد.

معاونت مزبور نیز طی نامه شماره ۱۳۸۸/۱۲/۱۴-۲۲۲/۵۰۸۸ به استناد دادنامه شماره ۱۹۷-۱۳۸۷/۳/۲۶ هیأت دیوان عدالت اداری، این وزارتخانه را مکلف به درج فوق العاده کشیک در احکام کارگزینی کرد. قاعداً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با توجه به قانونی بودن حق کشیک، نسبت به آن رأی صادر و کسور کسور بازنشستگی از آن را تأیید کرده اند. اصولاً با توجه به این که اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری در دستگاههای تابع ضوابط خاص استخدامی، از جمله وزارت نیرو- منوط به آیین نامه است که بایستی از سوی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور ابلاغ شود و تاکنون چنین آیین نامه ای ابلاغ نشده است، لذا وزارت نیرو قانوناً تا ابلاغ آیین نامه مزبور موظف به اعمال ضوابط قبلی خویش است و الزام یا درخواست التزام این وزارتخانه به اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری در حال حاضر بلاوجه به نظر می رسد. بنابراین همان طوری که آن مقام ملاحظه می فرمایند در قانون مدیریت خدمات کشوری که از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ برای کلیه دستگاههای اجرایی لازم الاجرا شده است فوق العاده های مستمر در تبصره ماده ۷۶ قانون مذکور احصاء شده است و سایر فوق العاده ها از جمله فوق العاده کشیک به عنوان فوق العاده غیر مستمر تلقی می شود در حالی که درج فوق العاده کشیک در احکام کارگزینی کارکنان وزارت نیرو و شرکتهای تابعه مربوط به زمان ۱۳۸۷/۱۲/۱ یعنی قبل از لازم الاجرا شدن قانون مدیریت خدمات کشوری است، بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰ وزارت نیرو جنبه اعلامی داشته و اجرای فوق العاده کشیک قبل از حاکمیت قانون مدیریت صورت گرفته است و به تبع آن مشمول ممنوعیت مقرر در جزء الف بند ۷ قانون بودجه سال ۱۳۸۹ نیز نیست.

لذا با عنایت به موارد معنونه از آن مقام رد دعوی شاکی مورد استدعاست تا موجبات محرومیت بیش از ۷۸ هزار نفر از متخصصین، بخشهای زیربنایی صنعت آب و برق از حقوق قانونی خود که خدمات حساسی را با تحمل مشکلات و کمبودها تأمین می کنند فراهم نگردد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤساء، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می کند.

رأی هیأت عمومی

در ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، علاوه بر پرداختهای موضوع ماده ۶۵ و تبصره های آن و ماده ۶۶ قانون، فوق العاده هایی که به کارمندان مشمول قانون مذکور قابل پرداخت می باشد ذکر شده است و در ماده ۷۸ قانون یاد شده در دستگاههای مشمول قانون، کلیه مبنای پرداخت خارج از ضوابط و مقررات فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری به استثنای پرداختهای قانونی که در زمان بازنشسته شدن یا از کارافتادگی و یا فوت پرداخت می شود و همچنین برنامه کمکهای رفاهی که به عنوان یارانه مستقیم در ازای خدماتی نظیر سرویس رفت و آمد، سلف سرویس، مهدکودک و سایر موارد پرداخت می شود، با اجرای این قانون لغو شده است. در جزء ب ۱ بند ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور نیز مقرر شده است که: «در راستای اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری کلیه مجوزها و مقررات پرداختی خارج از فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری به استثنای پاداش موضوع ماده ۲۰ قانون مذکور و پرداختهای قانونی در زمان فوت، از کارافتادگی، بازنشسته شدن یا ازدواج و (کمکهای رفاهی مستقیم و غیر مستقیم در سقف مصوب شورای توسعه مدیریت) از ابتدای سال ۱۳۸۸ لغو می شود.» نظر به این که مقنن صرفاً پرداخت فوق العاده های مصرح در ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری را در دستگاههای مشمول قانون مورد پذیرش قرار داده است و از ابتدای سال ۱۳۸۸ نیز به دلالت جزء ب ۱ بند ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور، پرداختهای خارج از فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری لغو شده است و وزارت نیرو نیز مطابق ماده ۵ قانون مذکور از جمله دستگاههای مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می باشد، بنابراین جواز پرداخت فوق العاده کشیک کاری که از مصادیق فوق العاده های مصرح در ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری نمی باشد در وزارت نیرو وجود ندارد تا بر اساس آن و به موجب بخشنامه های معترض عنه بر درج فوق العاده کشیک در احکام کارگزینی تأکید شود. با توجه به مراتب بخشنامه معاون وزیر نیرو در امور تحقیقات و منابع انسانی به شماره ۱۳۴۱۶۱/۵۳۰-۱۳۸۸/۱۲/۲۳ و بند ۲ بخشنامه شماره ۱۴۹۴۲/۵۰/۱۰۰-۱۳۸۹/۲/۱۹ وزیر نیرو که در آنها مقرر شده است فوق العاده کشیک در احکام کارگزینی کارمندان درج شود مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آنها صادر و اعلام می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری